

اساس نامه ی سازمان بین المللی مارکسیستی – انسانی

بیانیه ی اصول

«سازمان بین المللی مارکسیستی – انسانی» (س.ب.م.ا.)، در صدد است تصویری در خور از بدیلی در مقابل سرمایه داری – جامعه ای نوین و انسانی – طرح کند و بسط دهد، که بتواند به مبارزات آزادی خواهانه ی امروز سمت و سو دهد. این سازمان مبتنی است بر آموزه های فلسفی بی همتایی که این سازمان را از بدو تاسیس آن در سال ۱۹۵۰ توسط رایا دونایفسکایا ره نمون بوده است. ما این امر را با وحدت نظریه و عمل، کارگر و روشن فکر، و فلسفه و سازمان صورت می بخشیم.

بدیل در مقابل سرمایه داری یعنی پایان دادن به تولید برای ارزش، ایجاد شیوه ی تولید انسانی، برقراری شکل غیر دولتی حاکمیت و بنا نهادن روابط انسانی آزاد. پایان دادن به قانون ارزش شرط ضروری امکان تشکیل جامعه ی نوین راستین است، چرا که تولید ارزش انسان را تحت سیطره ی اشیاء قرار می دهد و روابط انسانی را تحریف می کند. ما می باید طرح نظری چنین بدیلی را هم اکنون در اندازیم.

نظم بخشی به سرچشمه های فکری مان برای طرح بدیلی در مقابل سرمایه داری از زمان فروپاشی سرمایه داری دولتی که خود را «کمونیسم» می نامید حتی ضروری تر شده است، چرا که این ایده که بدیلی در مقابل سرمایه داری وجود ندارد، حتی در میان بسیاری از چپ ها، نیز فراگیر شده است. شکل بخشی به آن چه در جامعه ی نوین انسانی پسا سرمایه داری ممکن است، وظیفه ی تاریخی مارکسیزم است.

کلیت مارکسیزم مارکس، که از ۱۸۴۱ تا ۱۸۸۳ بسط یافت، بنای چنین امری را به دست می دهد. به خصوص، ما بر آغازه های نوین فلسفی موجود در مقاله های انسان گروانه ی ۱۸۴۴ مارکس و به صورت خاص بر «دیالکتیک نفی به مثابه ی اصل پویا و خلاق»، هم چنان که کل نقد اقتصاد سیاسی و شکل ارزشی تولید مارکس – از مانیفست کمونیست (۱۸۴۱)، تا گروندریسه (۱۸۵۷-۱۸۵۸)، تا کاپیتال (۱۸۶۷-۱۸۷۲) پای می نشینیم. ما هم چنین خود را بر نوشته های چند فرهنگی مارکس درباره ی جنسیت و جوامع غیر اروپایی به خصوص دفترهای قوم شناختی (۱۸۷۹-۱۸۸۲) بنا می نهیم. ما نظر مارکس را درباره ی جامعه ای نوین در نقد برنامه ی گوتا (۱۸۷۵) 'کاپیتال و جنگ داخلی در فرانسه (۱۸۷۱) به عنوان پایه های فلسفی جامعه ی غیر دولتی و آزاد آینده، و اشاره هایی درباره ی چه گونه گی نیل به چنین جامعه ای می یابیم. به شکلی مرتبط وجدانپذیر از این امر، ما عمل کرد و اصول سازمانی مارکس را به خصوص در نقد برنامه ی گوتا به عنوان پایه ای مهم برای سازمان امروز می بینیم.

ما بر این باوریم که هر نسل می باید معنای مارکسیزم مارکس را برای زمان خویش دریابد. همان گونه که رایا دونایفسکایا، بنیان گذار مارکسیزم-انسانی نوشت: «میراث مارکس گنجینه ی صرف نیست، بل که مجموعه ای سرزنده از نظرات و چشم اندازهایی است نیازمند مشخص سازی. هر برهه ی بسط مارکس، همراه با کلیت آثار او، مبین نیاز به انقلاب در تداوم، است. این چالش مطلق عصر ماست.»

دست آوردهای مارکسیزم-انسانی تاریخی-فلسفی دوره ای بیش از یک قرن، مسیر رویارویی با این چالش را فراهم می سازد. ما با تمام اشکال سرمایه داری، از جمله شکل رژیم های سرمایه داری دولتی که خود را کمونیسم می نامیدند، مخالفت کرده ایم. ما از بایکوت اتوبوس مونت گامری در ۱۹۵۵ - ۱۹۵۶ حمایت کردیم، و هم زمان شوراها ی کارگری مجارستان را در ۱۹۵۶ گرامی داشتیم. ما با امپریالیزم و کلونیالیزم و نو کلونیالیزم در جنگ های آمریکا و لشکر کشی این کشور به اقصی نقاط جهان، از جنگ ویتنام تا جنگ کنترا علیه انقلاب نیکاراگوئه مخالفت کردیم. ما از مبارزات رهایی بخش ملل و خلق ها، از جمله گذشته و حال دولت های کمونیست تک حزبی دفاع کردیم.

با اینکه ما از انقلاب ایران در ۱۹۷۹ دفاع نمودیم، در همان زمان به قدرت رسیدن بنیاد گرایان ضد زن، ضد جوان و ضد کارگر را محکوم نمودیم، از خیزش دموکراتیک توده در ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰ دفاع کردیم. هم چنین از انقلاب های عربی در ۲۰۱۱ دفاع نموده در حالی که خطرات ناشی از تناقضات داخلی و مداخله ی امپریالیزم را خاطر نشان کردیم.

ما با اشکال ارتجاعی «ضد امپریالیستی» چه به شکل بنیاد گرایی مذهبی، ملی گرایی کوتاه بینانه، یا پوپولیزم نظامی مخالفت کردیم. ما با جنگ اول عراق مخالفت نموده، در حالی که هم زمان از جنبش آزادی خواهانه ی کردها دفاع کردیم. در دهه ی ۹۰ ما مبارزه ی بوسنی و هرزگوین برای جامعه ای چند قومیتی در مقابل نسل کشی صربستان، مبارزه ی چپاپاس در مقابل سرمایه داری جهانی، و جنبش های آزادی بخش کوزوو دفاع کردیم. از زمان حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ما با دکترین جنگ بی وقفه ی آمریکا مخالفت کردیم، در حالی که هم از جنبش ضد جنگ و هم از مبارزات آزادی خواهانه ی زنان عراق، ایران و افغانستان حمایت کردیم. ما با سیاستهای اشغالگرایانه اسرائیل بر علیه مردم فلسطین مخالفت نموده و قاطعانه از حق فلسطینی ها برای داشتن یک کشور مستقل و تمامیت ارضی پایدار، حمایت می کنیم. در عین حال ما با یهودی-ستیزی مخالفت نموده و از حق سرنوشت مردم یهود دفاع می نمایم.

در مخالفت با این جامعه ی سرمایه داری، نژادگرا، جنسیت گرا، دگر جنس گرا، و توانمند گرا، ما تلاش می کنیم مستحکم ترین روابط را میان نیروهای انقلابی و مخالفت نظم مستقر از جمله: کارگران بر حسب مقام و سابقه؛ سیاهان، آمریکای لاتینی ها و کلیه ی اقلیت های تحت ستم، زنان، افراد هم جنس گرای مرد – هم جنس گرای زن-دوجنسیتی-ترا جنسیتی، و جوانان برقرار سازیم.

ضرورت جامعه ای نوین از مبارزه ی کارگران در مخالفت با کار از خود بیگانه، گسترش نابرابری طبقاتی و جنگ آشکار است. مبارزات آنان تنها به نبرد جهت توزیع مجدد ارزش محدود نمی شود، چرا که کارگران اغلب با این پرسش که «چه نوع کاری را باید مردم انجام دهند؟» خود شالوده ی تولید سرمایه داری را به زیر سوال برده اند.

توده ی سیاه پوست قاره ی آمریکا، آفریقا و اروپا جای گاه ویژه ای دارند، چرا که در خط مقدم مبارزه در راه آزادی قرار دارند – از نخستین مبارزات علیه برده داری در اروپا و آمریکا تا جنبش های حقوق مدنی و ضد تبعیض نژادی. در به مبارزه فراخواندن پاشنه ی آشیل تمدن غربی – نژادپرستی – مبارزه ی سیاهان نشان داد که پیش قراول مبارزات آزادی خواهانه در بسیاری از نقاط جهان است. ما هم چنین از اقلیت های تحت ستم در سراسر جهان دفاع می کنیم در حالی که با کلیه ی اشکال تبعیض قومی – مذهبی، از عوام فریبی ضد مهاجرت تا اسلام هراسی و یهودی-ستیزی در نبردم.

آزادی خواهی زنان یکی از جنبش های تاریخی بزرگ بین المللی است. در دوران معاصر سلب انسانیت از کارگران توسط سرمایه با سلب انسانیت از زنان توسط نیروهای پدربسالار همراه بوده است. جنبش آزادی خواهی زنان، جنسیت گرایی را نه تنها در جامعه ی موجود بلکه در درون چپ نیز به مبارزه فراخوانده است. مبارزات زنان برای آزادی نشان می دهد که فمینیسم خود را، نه به مثابه ی یک نیرو بلکه هم چنین به مثابه ی خرد، برای نسلی جدید تجدید می کند.

جوانان در واقع مصدر مهمی برای تغییرات انقلابی اند، چرا که آرمان گرایی آنان در مقابله با جامعه ی موجود آنان را در کنار سایر نیروهای اجتماعی انقلابی به عنوان سازنده گان جامعه ی نوین قرار می دهد.

جنبش عدالت زیست محیطی، نقش انقلابی بسیار عمده ای در مبارزه بر علیه سرمایه داری بازی می نماید. آتش سوزیهای اخیر جنگلها، ذوب یخ های قطبی، بالا رفتن سطح آب دریاها، خشکسالی و بالا رفتن درجه حرارت کره زمین، بیانگر آشکار مخالفت ما با مناسبات سرمایه داری است، و محتاج به مطرح نمودن این موضوع است که حیات و زندگی موجودات تماما توسط روابط تولیدی سرمایه داری بخطر افتاده است.

این نیروهای ذهنی، که پتانسیل انقلابی شان در پیوسته گی آن هاست، مصاف های پر اهمیتی در مقابل سلطه ی سرمایه قرار می دهند – به خصوص هنگامی که در صدد بر می آیند به فلسفه ی آزادی بخشی دست یابند که به مبارزات آن ها سمت و سو دهد.

برعکس، گرایش هایی مانند اندیشه ی پسامدرن و پراگماتیسم، که فلسفه ی وحدت بخش را رد می کنند، نمی توانند چالشی بنیادی در مقابل واقعیت های سرمایه داری جهانی شده، بوجود آورند. در واقع پاسخ مناسب به این بدیل ها نمی تواند بر اشکالی از مارکسیزم پستامارکس مبتنی باشد که از خاص بوده گی و تفاوت می گذرد و یا آن را نادیده می گیرد. روابط انسانی نوین، که مارکس در ۱۸۴۴ آن را به مثابه ی «طبیعت گرایی یا انسان گرایی تمام عیار» مطرح کرده است، در صورتی دست یافتنی است که ما مارکسیزم مارکس را برای زمان خود هم چون مفهوم دیالکتیکی انتقادی «انقلاب در تداوم» تصریح کرده، آن را بسط دهیم و مشخص سازیم. این دیالکتیک خلاقانه می باید آن چه ما در پی آنیم و نظر انسان گرایانه ی اثباتی ما را بیان نماید، نه اینکه فقط صرف نفی نظم سرمایه داری موجود، نفی ای که عاری از دیالکتیک «اثبات در نفی» است.

ما درصددیم در کلیه ی جنبش های آزادی بخش و سازمان های آنان شرکت کنیم. ما شکل حزب نخبه گرای پیش تاز را برای مبارزه ی انقلابی یا ایجاد جامعه ی نوین رد می کنیم. هم چنین ما واقفیم که شکل کمیته ای سازمان ما الگویی برای همه ی جنبش ها نیست، اما بیش تر شکل تاریخی حیاتی. سازمانی است که جنبش ها همواره پذیرفته اند، آن گونه که در بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت می شود دید .

در عین حال ما باورداریم که شکل غیرمتمرکز سازمان که توسط گروه های انقلابی و از جمله خود ما پذیرفته شده است، مادام که از فلسفه ی دیالکتیکی جدا بماند، ناکافی است. ما معتقدیم « نامه هایی در باره ی مطلق های هگل » و یادداشت های کتاب ناتمام دویانافسکایا درباره ی « دیالکتیک سازمان و فلسفه » سمت و سویی اساسی برای بنا نهادن وحدت فلسفه و سازمان در حیات و دوران ما به دست می دهند.

« سه گانه ی انقلاب » اثر دویانافسکایا – (مارکسیزم و آزادی از ۱۷۷۶ تا امروز) ۱۹۵۸، (فلسفه و انقلاب: از هگل تا سارتر و از مارکس تا مائو) ۱۹۷۳، و (رزالوکزامبورگ، آزادی زنان، و فلسفه ی انقلاب مارکس) ۱۹۸۲ - هم چنان که (تمدن آمریکایی در دادگاه: توده ی سیاهان به مثابه ی پیش آهنگ) ۱۹۸۳؛ در چاپ اصلی (۱۹۶۳)، محتوای فلسفی مارکسیزم انسانی را به شکل بین المللی بازگو می کند. مارکسیزم و آزادی، مبتنی بر جنبش های از کنش تا نظریه که خوداشکالی از نظریه هستند بار دیگر مارکسیزم را در شکل اصلی آن به عنوان « طبیعت گرایی یا انسان گرایی تمام عیار » از ۱۸۸۴ تا کاپیتال برقرار ساخت؛ فلسفه و انقلاب تمامیت فلسفه و انقلاب را به صورت تاریخی ترسیم کرد و شور فلسفه ی رهایی را آشکار کرد که وجه تمایز دوران ماست؛ و رزا لوکزامبورگ، آزادی زنان و فلسفه ی انقلابی مارکس اهمیت نوشته های مارکس را در مسیرهای انقلاب در جهانی در حال توسعه و در روابط زن/مرد آشکار ساخت. بالاتر از هر چیز، دعوتی بود برای بازبینی رابطه ی میان خودجوشی، سازمان و فلسفه از طریق ارزیابی دوباره ی دست آوردها و همچنان کاستی های اندیش مندان پس از مارکس از جمله لنین، رزالوکزامبورگ، و تروتسکی.

این آثار پرسش تعیین کننده ی پیش روی ما را مطرح می کنند: آیا بشریت با وجود انقلاب های تلخ و ناتمام صد سال گذشته، می تواند آزاد گردد؟

برای پاسخی اثباتی به این پرسش اعضای «سازمان بین المللی مارکسیستی-انسانی» از زمان مرگ دویانافسکایا آثار او را به چاپ رسانده اند و در ۱۹۸۷ قدرت نفی: گزیده آثار رایا دویانافسکایا درباره ی دیالکتیک در هگل و مارکس را منتشر کردند. اعضای ما در عین حال مجلدی به مجموعه آثار رایا دویانافسکایا افزودند .

« سازمان بین المللی مارکسیستی-انسانی » در صدد است این ایده های در هم تنیده را برای دوران ما گسترش داده و مشخص نماید.

افرادی که قصد دارند به ما بپیوندند با پذیرش این اصول می توانند به ما ملحق شوند. این اصول تنها از این جهت ضروری اند که تصمیماتی اجرا گردد که اعضا از طریق رای اکثریت از طریق بحث آزادانه و علنی بدان ها رسیده اند. از افرادی که عضو نیستند برای پیوستن به فعالیت های ما و همچنین ارسال مطلب برای چاپ در نشریات مان استقبال می شود.

قوانین و مسئولیت های عضویت

۱. کل عضویت : سازمان بین المللی مارکسیست-انسانی (س.ب.م.ا.) ، بالاترین جمع تصمیم گیرنده ی سازمان است.
۲. کل تصمیمات نافذ در این سازمان با رای عضویت اتخاذ می شود که مبتنی بر حاکمیت رای اکثریت است.
۳. عضویت حق ویژه ی افرادی است که آزادانه با هم در ارتباط اند. پذیرش عضویت، پذیرش مسئولیت اجرا و حمایت صادقانه ی تصمیماتی را به هم راه دارد که به صورت جمعی توسط اکثریت افراد اتخاذ شده اند.
۴. کم تر از یک بار هر دو سال مجمع عمومی سازمان برگزار می گردد، که کل اعضا بدان دعوت می شوند. هر عضو یا گروهی از اعضا می توانند قطع نامه و اصلاحات آیین نامه ای یا موضوعی را برای بحث به مجمع پیش نهاد کنند. کلیه

رای های اخذ شده در مجمع عمومی بر اساس اصل حکم اکثریت تصویب می شوند. تصمیمات مجمع برای کلیه ی اعضا لازم الاجرا می باشد.

۵. کمیته ی رهبری سازمان با رای مخفی اعضا انتخاب می شود. این کمیته جمع هم آهنگ کننده ی سازمان در زمانی است که در مجمع نیست. در آغاز هر مجمع عمومی کمیته ی رهبری منحل شده، در پایان هر مجمع کمیته ی جدیدی انتخاب می شود. کمیته رهبری شامل تعداد فرد از اعضا، حداقل سه عضو و حداکثر هفت عضو، می باشد، که دست کم از دو کشور انتخاب می گردند. کمیته ی رهبری می باید حداقل یکبار در ماه نشست داشته باشد و صورت جلسه ی بحث های هرنشستی را در اختیار کلیه ی اعضا سازمان قرار دهد.

۶. کمیته ی رهبری می باید حداقل ۹۰ روز پیش از زمانی که برای تشکیل مجمع عمومی تعیین شده است فراخوان مجمع را صادر کند. قطع نامه ها و مطالب بحث می باید دست کم سی روز پیش از زمان شروع مجمع عمومی در اختیار اعضا قرار بگیرد تا بحث کامل اعضا را ممکن سازد. کلیه ی اعضا، از زمان فراخوان مجمع، در مجمع عمومی حق نظر و رای دارند.

۷. دو سوم اعضا می توانند در هر زمان مجمع عمومی تشکیل دهند، که بر اساس همین قوانین برگزار می شود.

۸. افرادی که مایل هستند به سازمان بپیوندند می باید به صورت کتبی درخواست عضویت خود را به هیئت رهبری ارائه دهند. بعد از آن درخواست آنان بر اساس رای اکثریت، به رای کل اعضا گذارده می شود. عضویت تک تک اعضای سازمان ها یا گروه هایی که مایل به ملحق شدن به سازمان هستند می باید توسط سازمان (س.ب.م.ا.) ارزیابی شود.

۹. افراد یا گروه های عضو می توانند نظری متفاوت با نظرات اتخاذ شده توسط سازمان داشته باشند، و درصدد برآیند که مواضع و یا دیدگاه های سازمان را تغییر دهند، و در این باره آزادند نظرات شان را به صورت علنی بیان کنند. البته در بیان علنی چنین نظرانی، اعضا می باید به روشنی مطرح سازند که نظرات آنان با نظرات سازمان متفاوت است، و فرد یا گروه می باید نظر سازمان را منصفانه و دقیق مطرح نماید.

۱۰. عضویت مستلزم شرکت و سهم شدن در فعالیت های سازمان و کمک به بنا نهادن سازمان تا حد امکان ذهنی و عملی فرد است. عضویت مستلزم پاسخ به مکاتبات سازمانی اعضای منتخب در زمان مقتضی است.

۱۱. اعضای هر شهر یا منطقه می توانند از افراد غیر عضو برای فعالیت یا شرکت در بحث های خود دعوت کنند، یا آنانی را که رفتارشان به مصالح سازمان لطمه یا آسیب می زند در فعالیت های خود دخیل نکنند.

۱۲. در صورتی که اعضای، عضو سازمان های دیگری علاوه بر سازمان ما (س.ب.م.ا.) هستند، این امر نباید مانع تضاد منافع با عضویت آنان در سازمان ما گردد.

۱۳. اعضا می باید محرمانه بودن مکاتبات داخلی را رعایت کنند.

۱۴. اعضا می باید دست کم مبلغی معادل ۵ دلار در هفته برای افراد شاغل و یک دلار در هفته برای دانش جویان و افراد غیر شاغل یا معادل قدرت خرید این مبالغ را در سایر کشورها به سازمان کمک کنند.

۱۵. اعضا می باید به صورت فردی رای دهند: هر جمع رسمی یا غیر رسمی متشکل از افراد نمی باید افراد را به رای در قالب بلوکی در سازمان (س.ب.م.ا.) ملزم کند.

۱۶. افراد ممکن است به دلیل اتهامات ثابت شده ی سازش طبقاتی، جنسیت گرایی، دگر جنس گرایی، نژادگرایی یا شوونیسم علیه سیاهان یا دیگر گروه های تحت ستم از سازمان اخراج شوند. هر اتهام علیه عضو می باید به صورت کتبی و با ذکر جزییات دست کم ۷۲ ساعت پیش از آن که آن اتهامات به سمع سازمان برسد به وی ابلاغ شود. فرد متهم باید این فرصت را داشته باشد تا علیه اتهامات مزبور در مقابل کمیته ی رهبری از خود دفاع کند. وی هم چنین باید این حق را داشته باشد تا از کمیته ی رهبری و یا از مجمع عمومی آتی درخواست رسیده گی کند.

۱۷. عضویت اعضا در صورت عدم اجرای تعهدات عضویت، مانند سرباز زدن از تلاش برای ساخت سازمان، یا عدم پاسخ گویی به مکاتبات سازمانی از سوی جمع منتخب، یا عدم پرداخت حق عضویت لغو می شود.

۱۸. افراد پیشینی که عضویت آن ها لغو شده یا اخراج شده اند و مایل اند بار دیگر تقاضای عضویت دهند، تنها پس از گذراندن یک دوره ی التزام آور سه ماهه پذیرفته می شوند.

۱۹. این اساس نامه جز با رای دو سوم اعضا تغییر یا اصلاح نمی گردد .

مصوب هفدهم جولای ۲۰۲۰